

# ترکان در گذر تاریخ

بهنام محمدپناه

انتشارات سبزان

|                       |                                    |
|-----------------------|------------------------------------|
| سرشناسه               | : محمدپناه، بهنام، ۱۳۵۴            |
| عنوان و پدیدآور       | : ترکان در گذر تاریخ               |
| مشخصات نشر            | : تهران: سبزان، ۱۳۸۷.              |
| مشخصات ظاهری          | : ۱۲۰ ص. : مصور، جدول، نقشه.       |
| شابک                  | : 978-600-5033-23-6                |
| وضعیت فهرست نویسی     | : فیبا                             |
| یادداشت               | : کتابنامه: ص. ۱۲۰.                |
| موضوع                 | : ترکان - تاریخ.                   |
| موضوع                 | : زبان های ترک و تاتاری - گویش ها. |
| رده بندی کنگره        | : ۱۳۸۶ ت ۴ م ۳ / DS ۲۶             |
| رده بندی دیویی        | : ۹۵۶/۱                            |
| شماره ی کتابشناسی ملی | : ۱۱۶۰۷۹۵                          |



انتشارات سبزان

میدان فردوسی - خیابان فرصت - ساختمان ۹۸ تلفن: ۸۸۸۴۷۰۴۴-۸۸۳۱۹۵۵۸

ترکان در گذر تاریخ

• نویسنده: بهنام محمدپناه

• ناشر: سبزان

• حروف چینی، صفحه آرایی، طراحی و لیتو گرافی: مجتمع خدمات چاپ امید

۸۸۳۱۹۵۵۷-۸۸۳۴۸۹۹۱

• نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۷

• تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

• قیمت: ۳۰۰۰۰ ریال

• چاپ و صحافی: رفاه

فروش اینترنتی و online از طریق سایت آی آی کتاب [www.iiketab.com](http://www.iiketab.com)

ISBN 978-600-5033-23-6

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۳۳-۲۳-۶

## فهرست

صفحه

عنوان

|   |           |
|---|-----------|
| ۴ | پیش‌گفتار |
|---|-----------|

### فصل اول: حکومت ترکان: دولت‌ها و امپراتوری‌ها

|    |                      |
|----|----------------------|
| ۷  | پروتو تورک‌ها        |
| ۸  | هون‌ها و هفتال‌ها    |
| ۱۱ | امپراتوری گوگ ترک‌ها |
| ۱۹ | اویغورها و قیرقیزها  |
| ۲۰ | قراخانیان            |
| ۲۴ | غزنویان              |
| ۲۹ | امپراتوری سلجوقیان   |
| ۴۹ | خوارزمشاهیان         |
| ۵۲ | التین اردو           |
| ۵۵ | تیموریان             |
| ۶۳ | قراقویونلوها         |
| ۶۵ | آق قویونلوها         |
| ۶۷ | امپراتوری صفوی       |
| ۸۵ | افشاریه و قاجار      |
| ۸۹ | امپراتوری عثمانی     |

### فصل دوم: بررسی اجمالی زبان ترکی

|     |                                     |
|-----|-------------------------------------|
| ۱۰۵ | تقسیم‌بندی زبان‌ها                  |
| ۱۰۷ | شکل‌گیری زبان و لهجه‌های مختلف ترکی |
| ۱۱۱ | ترکان اوغوز                         |
| ۱۱۴ | ترکان آذربایجان                     |
| ۱۱۵ | برخی ویژگی‌های زبان ترکی            |
| ۱۱۹ | منابع                               |

## پیش گفتار

اصطلاح ترک در گسترده‌ترین معنای خود به اکثریت ساکنان کشورهای ترکیه، آذربایجان، جمهوری‌های آسیای میانه (شامل کشورهای قزاقستان، ازبکستان، قیرقیزستان و ترکمنستان)، استان سین‌کیانگ چین، برخی جمهوری‌های خودمختار روسیه، اقلیت‌های ساکن در اروپای شرقی و نیز استان‌های شمال غربی ایران اطلاق می‌شود. کل جمعیت ترک‌زبانان جهان، بالغ بر ۲۰۰ میلیون نفر می‌شود که از شرق سیبری تا حوزه بالکان اروپا گسترش یافته‌اند. اما وجود تفاوت‌های فرهنگی و ریخت‌شناختی که در اثر گذشت سالیان دراز و نیز بعد جغرافیایی میان اقوام مختلف ترک زبان (از اویغورهای چین گرفته تا عثمانیان ترکیه) به وجود آمده، سخن گفتن از ترکان به عنوان یک گروه قومی خاص را مشکل نموده است. به همین دلیل امروزه کلمه ترک مفهومی فرهنگی یافته است که مهم‌ترین عامل وحدت میان این گروه را پیوند بسیار نزدیک زبانی آنها تشکیل می‌دهد.

نام ترک را نخستین بار، چینیان در قرن ششم میلادی برای اشاره به مردمانی به کار بردند که امپراتوری بزرگی به نام گوک‌ترک‌ها (ترکان آسمانی) را از مغولستان تا دریای سیاه برپا کرده بودند. مورخان غربی با استناد به همین منابع، مرز میان کوه‌های آلتای و دشت قیرقیز را میهن نخستین ترک‌ها دانسته‌اند اما پژوهش‌های اخیر زبان‌شناسی، احتمال وجود سرزمین مادری ترک‌ها را در صحراهای شرق دریاچه آرال نیز تقویت می‌کند. تحقیقات دیگر نیز نشان می‌دهد که اجداد بسیار قدیمی ترک‌ها یعنی پروتو ترک‌ها در حدود هزاره پنجم تا سوم پیش از میلاد در بین‌النهرین و آسیای مرکزی، تمدن‌هایی را پایه‌گذاری کرده بودند که امروزه اطلاعات بسیار ناقصی از آنها به یادگار مانده است. اما آنچه مسلم است اینکه ترکان باستان که از آنها به نام هون‌ها یاد شده است، در قرون پیش و پس از میلاد در دشت‌های شمالی دیوار بزرگ چین و اطراف دریای خزر می‌زیسته‌اند. آنها در جنوب با چینی‌ها و در غرب با هند و اروپاییان همسایه بودند و واژگانی را از آنان به عاریت گرفته و به زبان خود وارد کرده‌اند. دوره روشن تاریخ حکومت هون‌ها از سال ۲۰۹ پیش از میلاد آغاز می‌شود. قلمرو این دولت که با مغلوب کردن قبایل مختلف ترک، مغول و تونگوز از دریاچه بالکال تا تبت و از کوه‌های اورال تا رود زرد گسترش یافته بود، با افزایش قدرت چینی‌ها از اواسط قرن دوم پیش از میلاد، رو به انحطاط گذاشت و سرانجام در اواسط قرن اول پیش از میلاد فرو پاشید. در فاصله بین انقراض دولت هون و شکل‌گیری امپراتوری گوک‌ترک که خاقانات ترک نیز نامیده شده‌اند، اتحادیه‌ای از قبایل کوچک ترک‌زبان در مغولستان و دشت‌های آسیای مرکزی به وجود آمد که دولت هون‌های سفید (هفتال‌ها) نامیده می‌شد.

هسته اولیه اتحادیه گوک‌ترک‌ها، قبیله‌ای بود که از بازماندگان دودمان آخرین دولت هون تشکیل شده بود. این دودمان که از پانصد خانواده تشکیل می‌شد، آشینا به معنای «گرگ نجیب» نامیده می‌شد. منشأ این نام روایتی از افسانه بوزقورت است که بر اساس آن، از قبیله آشینا که به دست دشمن نابود شده بود، تنها پسری دست و پا بریده باقی مانده بود که ماده گرگی پس از نجات پسرک، از وی باردار شد و به کوه‌های آلتای مغولستان گریخت. ماده گرگ در آن‌جا ده پسر به دنیا آورد که هر کدام منشأ قبیله‌ای شدند. آشینا که

عاقبت ترین برادرها بود، فرمانروای ترک‌ها شد و به یادبود مادرش، پرچمی مزین به کله گرگ بالای خیمه خود نصب کرد. در اواسط قرن پنجم میلادی، دودمان آشینا در منطقه کوهستانی آلتای، اتحادیه‌ای پدید آوردند که چینیان آنها را تورکیوئه می‌نامیدند. نام ترک نیز که برگرفته از همان نام تورکیوئه است، به تدریج و به‌ویژه با تشکیل و گسترش قلمرو امپراتوری گوک‌ترک‌ها به همه قبایل هم‌زبان آنها اطلاق شد. امپراتوری عظیم گوک‌ترک‌ها در قرن هفتم میلادی و پس از تقسیم به دو بخش مستقل، ناگزیر به پذیرش برتری چینی‌ها شد اما ۵۰ سال بعد از این اسارت، ترکان توانستند استقلال خود را بازیابند و از زیر یوغ چینی‌ها خلاص شوند. کهن‌ترین سنگ‌نوشته‌های کشف شده به زبان ترکی باستان نیز که متعلق به این دوره از استقلال ترک‌ها است، در دشت اورخون (مرز مغولستان و قزاقستان کنونی) کشف شده است.

با سقوط امپراتوری گوک‌ترک‌ها در قرن هفتم میلادی، اختیار ناحیه تحت کنترل آنها به دیگر اقوام ترک یعنی اوغورها و قیرقیزها رسید. این دولت‌ها که از قدرت کمتری نسبت به اسلاف خود برخوردار بودند، پس از حمله چینی‌ها و ختائیان مغول، مجبور به مهاجرت به جنوب و غرب آسیا شدند. دیگر اقوام ترک این اتحادیه به ویژه خزرها، کومان‌ها و پچنگ‌ها توانستند نقش مهمی را در تاریخ سده‌های میانی در جنوب روسیه و شرق اروپا ایفا کنند اما گروه‌های ترک زبانی که بیش‌ترین اهمیت را در تاریخ ترک‌ها دارا بودند، سلجوقیان و عثمانیان بودند که هر دو به اتحادیه ترکان اوغوز تعلق داشتند.

فتح آسیای میانه در قرن هفتم میلادی به دست اعراب مسلمان، موجبات تماس و ارتباط مستقیم ترکان را با خلافت عباسی فراهم آورد. نخستین گروه از ترکان که پس از پذیرش دین اسلام توسط خلفای عباسی در سپاه به خدمت گرفته شدند، به زودی تبدیل به سرداران و فرمانروایان واقعی امپراتوری اسلامی شدند. تشریف دسته جمعی ترک‌ها به دین اسلام با تصرف ماوراءالنهر به دست دولت قراخانیان آغاز شد. مدتی بعد با برافتادن دولت سامانی، قلمرو آنان میان دو دولت ترک قراخانی و غزنوی تقسیم شد. به این ترتیب که ماوراءالنهر به قراخانیان و خراسان به غزنویان رسید و دستگاه خلافت، هر دو دولت را به رسمیت شناخت. پس از آن سرزمین خوارزم هم که در بخش غربی رود جیحون قرار داشت، به تصرف ترک‌ها در آمد و در معرض ترکی شدن قرار گرفت. در آغاز قرن یازدهم میلادی، موج بزرگ دیگری از ترکان اوغوز (معروف به سلجوقیان) با فتح خوارزم و ایران وارد مرکز خلافت عباسی یعنی شهر بغداد شدند و در این زمان بود که رهبر آنها طغرل، خود را سلطان خواند. پس از طغرل نیز جانشینش آلپ‌ارسلان با پیروزی در نبرد سرنوشت‌ساز ملازگرد، موفق شد بخش عمده‌ای از قفقاز، آسیای صغیر و سوریه را فتح کند و بدین ترتیب متصرفات امپراتوری بیزانس را در این نواحی به تصرف خود درآورد. در این دوران، با عمومیت یافتن نام ترک و به سبب مهاجرت‌های ترکان آسیای میانه به ترکستان و سرزمین آناتولی به تورخیا (ترکیه) شهرت یافت. تأسیس دولت سلجوقی سرآغاز دوران جدیدی در تاریخ اسلام به شمار آمده است، زیرا با به قدرت رسیدن سلاجقه، برای نخستین بار ترک‌ها بر بخش اعظم جنوب غربی آسیا استیلا یافتند و قدرت سیاسی دستگاه خلافت را در دست گرفتند و به بقای آن کمک کردند. اما در اواسط قرن دوازدهم میلادی، حملات مداوم خوارزمشاهیان و متحدان آنها غزها و قراختائیان منجر به سقوط امپراتوری سلجوقی شد. جانشینان این دولت یعنی خوارزمشاهیان، سلاجقه روم،

عراق، خراسان، شام و کرمان، کمابیش به مرزهای پیشین امپراتوری دست یافتند اما در قرن سیزدهم میلادی، چنگیزخان و جانشینانش (که سپاهی مرکب از مغولان و ترکان تاتار را رهبری می‌کردند)، همه این دولت‌ها را مغلوب کردند. پس از چنگیزخان، قلمرو مرکزی تحت سلطه او یعنی ترکستان به یکی از پسرانش به نام جغتای رسید. سال‌ها بعد وقتی اخلاف جغتای به اسلام گرویدند، ترکی شدن مغول‌ها، به‌ویژه در ماوراءالنهر آغاز گردید. دولت جغتای بعدها به دولت ترک-مغول آلتین اردو (اردوی زرین) تبدیل شد که در قرن شانزدهم میلادی بر منطقه وسیعی از جنوب روسیه کنونی فرمان می‌راند. ترکان دشت قپچاق و بلغار هم که تحت قلمرو دولت آلتین اردو درآمد بودند، به تدریج به دین اسلام گرویدند. این دولت پس از اضمحلالش در اواخر قرن چهاردهم میلادی به خانات کریمه و آستاراخان تجزیه شد و بعدها به صورت بخشی از سرزمین روسیه درآمد. در این دوران مردی به نام امیر تیمور از قبیله ترک برلاس در ماوراءالنهر برخاست و موفق شد بخش بزرگی از سرزمین‌های غرب آسیا را به تصرف خود درآورد. زبان ترکی جغتایی در دوران فرمانروایی او و فرزندانش و به‌ویژه با آثار امیرعلیشیر نوایی به زبان ادبی سرزمین ماوراءالنهر تبدیل شد. پس از تیموریان نیز، ازبک‌های ترک در منطقه قدرت یافتند و خانات ازبک را در آسیای میانه برپا داشتند. خانات بخارا، خیوه (خوارزم)، خوجند از بقایای همان خانات بودند که بر اثر هجوم صفویان و بعدها نادرشاه افشار فرو پاشید.

اما در غرب ایران و پس از آن که موج تهاجم مغولان فرو خوابید، پادشاهی آسیای صغیر برای مدتی به دست ترکان قرامانلو افتاد اما این ترکان عثمانی بودند که عملیات سرنگون‌سازی امپراتوری بیزانس را به انجام رساندند. عثمانیان که قبیله‌ای کوچک از قوم ترک اوغوز بودند، در قرن سیزدهم میلادی از سوی حاکمان سلجوقی به پاسانی منطقه مرزی امپراتوری بیزانس گماشته شده بودند. موقعیت استراتژیک منطقه و نیز منصب عثمانیان به‌عنوان نگاهبانان منطقه مرزی به آنان اجازه می‌داد تا سازمان بسیار منظم ارتش خود را توسعه دهند. آنان سرانجام در قرن شانزدهم میلادی با فتح قسطنطنیه (پایتخت امپراتوری هزار ساله بیزانس‌ها) و تغییر نام آن به اسلامبول، خود را تبدیل به صاحبان حقیقی آسیای صغیر (ترکیه امروزی) کردند. این سلسله بعدها با توسعه قلمرو، بخش عظیمی از غرب آسیا، شمال آفریقا و نیز شرق اروپا را تحت سیطره خود درآورد. در این میان نباید نقش ترکمانان ایران و به‌خصوص امپراتوری قدرتمند صفویه را نادیده گرفت. دولت صفوی که با حمایت قزلباش‌های آذربایجان روی کار آمده بود، در زمان حکومت شاه عباس بزرگ تبدیل به مقتدرترین دولت اسلامی در ایران شد. نبردهایی که در این دوران میان سه دولت ترک‌زبان یعنی ازبک‌ها، صفویان و عثمانیان روی داد، در نهایت باعث تضعیف آنها و دخالت کشورهای بیگانه در منطقه گردید. همچنین وقوع جنگ جهانی اول و توسعه‌طلبی کشورهای استعمارگر غربی، سرانجام به فروپاشی امپراتوری عثمانی و الحاق سرزمین‌های ترک‌زبان شمال ایران به روسیه در زمان حکومت قاجاریه منجر شد. این سرزمین‌ها تا سال ۱۹۹۱ میلادی تحت سیطره روس‌ها بودند اما با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، برخی از این جمهوری‌ها (آذربایجان، ترکمنستان، ازبکستان، قزاقستان و قرقیزستان) به استقلال سیاسی دست یافتند و برخی دیگر به شکل خودمختار در دولت فدراتیو روسیه باقی ماندند.